

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# انتخابات و فقہ سیاسے شیعہ؛

مبانی و الزامها

دکتر سید محمد صادق کاظمی

(عضو ہیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام)

با مقدمه

دکتر سید محمد رضا احمدی طباطبائی

(عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام)



انتشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

**عنوان:** انتخابات و فقه سیاسی شیعه؛ مبانی و الزامها  
**مؤلف:** دکتر سیدمحمدصادق کاظمی  
**مقدمه‌نویس:** دکتر سیدمحمدرضا احمدی طباطبائی  
**ناشر:** دانشگاه امام صادق علیه السلام  
**صفحه‌آرا:** محمد روشنی  
**طراح جلد:** اعظم حسین‌زاده  
**نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌برداری و چاپ:** رضا دیبا  
**چاپ و صحافی:** چاپ سپیدان  
**چاپ اول:** ۱۴۰۲  
**قیمت:** ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال  
**شمارگان:** ۵۰۰ نسخه  
**شابک:** ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۰۹-۰

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲  
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱  
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: [pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

سرشناسه: کاظمی، سیدمحمدصادق، ۱۳۶۷-  
عنوان و نام پدیدآور: انتخابات و فقه سیاسی شیعه؛ مبانی و الزامها / سیدمحمدصادق کاظمی؛ با  
مقدمه سیدمحمدرضا احمدی طباطبائی.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۳۹۵ ص / شابک: ۰-۰۹-۳۸۱-۶۲۲-۹۷۸  
موضوع: انتخابات - قوانین و مقررات (فقه) / موضوع: انتخابات - جنبه‌های مذهبی - اسلام  
موضوع: مشروعیت حکومت (فقه)  
شناسه افزوده: احمدی طباطبائی، سیدمحمدرضا، ۱۳۴۲- مقدمه‌نویس  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
رده‌بندی کنگره: ۱۹۸/۶ BP رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۹۴۹۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۵
مقدمه دکتر سید محمدرضا احمدی طباطبائی.....	۱۷
مقدمه.....	۲۳
فصل ۱: نقش مردم و مبانی مشروعیت حکومت اسلامی در اندیشه فقهای معاصر.....	۳۳
فصل ۲: مبانی انتخابات در فقه شیعه.....	۱۲۹
فصل ۳: الزام‌های انتخابات در فقه شیعه.....	۲۸۷
منابع و مآخذ.....	۴۴۹
نمایه.....	۴۶۵



### فهرست تفصیلی

سخن ناشر .....	۱۵
مقدمه دکتر سید محمدرضا احمدی طباطبائی .....	۱۷
مقدمه .....	۲۳
فصل ۱: نقش مردم و مبانی مشروعیت حکومت اسلامی در اندیشه فقهای معاصر .....	۳۳
۱. نظریهٔ نصب .....	۳۵
۱-۱. ادله اثبات ولایت فقها .....	۳۶
۱-۱-۱. ادله عقلی .....	۳۶
۱-۱-۲. ادله عقلی - نقلی .....	۳۷
۱-۱-۳. ادله نقلی .....	۳۹
۱-۲. جایگاه رأی و نظر مردم .....	۴۲
۱-۳. ادله انحصار مشروعیت در نصب الهی .....	۴۶
۱-۳-۱. اصل عدم ولایت .....	۴۶
۱-۳-۲. نص، تنها منبع مشروعیت .....	۴۷
الف: ناتوانی عقل بشر و نیاز به عصمت و علم .....	۴۷
ب: نقص طرق دیگر مشروعیت .....	۴۹
۱-۳-۳. نقد روایات مورد استناد نظریه نصب - نخب .....	۵۰
۲. نظریه نصب و نخب .....	۵۲

- ۲-۱. دلیل عقلی..... ۵۴
- ۲-۱-۱. ایجاد حصر عقلی در انواع تشکیل حکومت ..... ۵۴
- ۲-۱-۲. ایجاد حصر عقلی میان رأی اکثریت و اقلیت ..... ۵۵
- ۲-۲. ادله نقلی ..... ۵۶
- ۲-۲-۱. استناد به قاعده سلطنت ..... ۵۶
- ۲-۲-۲. روایات خودداری امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پذیرش حکومت ..... ۵۶
- ۲-۲-۳. ادله‌ای که مشورت را ممدوح دانسته و مؤمنین را به آن تشویق کرده است ..... ۵۸
- ۲-۲-۴. مقبوله عمر بن حنظله ..... ۶۱
- ۲-۲-۵. معتبره ابی خدیجه ..... ۶۳
- ۲-۲-۶. آیات و روایاتی که مردم را به انجام وظایف اجتماعی دعوت می‌کند ..... ۶۴
- ۲-۲-۷. آیات و روایاتی که دلالت بر خلیفه‌اللهی بودن انسان دارد ..... ۶۴
- ۲-۲-۸. استناد به ادله بیعت ..... ۶۵
- ۲-۳. رد ادله ولایت مطلقه فقیه و حصر ولایت فقها در امور حسبه به مثابه یک دلیل ... ۶۵
- ۲-۳-۱. ادله ولایت عامه فقها، بیان و رد ..... ۶۷
- الف- اجماع ..... ۶۷
- ب- روایاتی با مضمون «العلماء ورثة الانبياء» ..... ۶۸
- ج- روایاتی که دلالت دارند بر اینکه علماء، امناء انبیاء هستند. .... ۷۰
- ه- روایاتی که در آن فقها خلفاء پیامبر خوانده شده‌اند ..... ۷۱
- و- روایات دال بر کفالت ایتمام اهل بیت (علیهم السلام) توسط فقها ..... ۷۴
- ۲-۳-۲. ادله ولایت در امور عامه فقها، بیان و رد ..... ۷۵
- الف- مقبوله عمر بن حنظله ..... ۷۵
- ب- توقیع مبارک امام زمان (علیه السلام) ..... ۷۷
- ۲-۳-۳. ولایت فقها، محصور در امور حسبه ..... ۷۹
- ۲-۴. نقد و بررسی ادله ..... ۸۱
- ۲-۴-۱. نقد و بررسی ادله عقلی ..... ۸۱
- ۲-۴-۲. نقد و بررسی ادله نقلی ..... ۸۲
- الف- استناد به فحوای قاعده سلطنت ..... ۸۲
- ب- روایات خودداری امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پذیرش حکومت ..... ۸۳



ج- ادله‌ای که مشورت را ممدوح دانسته و مؤمنین را به آن تشویق کرده است.....	۹۰
د- آیات و روایاتی که مردم را به انجام وظایف اجتماعی دعوت می‌کند.....	۹۱
ه- استناد به ادله بیعت.....	۹۱
و- مقبوله عمر بن حنظله.....	۹۳
ز- معتبره ابی خدیجه.....	۹۵
ح- رد ادله ولایت مطلقه فقیه.....	۹۵
۳. نظریه تصدی.....	۱۰۴
۳-۱. رد ادله ولایت مطلقه فقهها به منزله اثبات نظریه تصدی.....	۱۰۵
۳-۱-۱. رد ادله اثبات ولایت فقهها.....	۱۰۵
۳-۱-۲. رد ادله ولایت مطلقه فقهها.....	۱۰۸
۳-۲. ولایت فقهها، نفوذ تصرف یا وجوب اطاعت.....	۱۱۱
۳-۳. نظریات واکنشی در پاسخ به اندیشه‌های جدید.....	۱۱۳
۳-۴. تفکیک میان حکومت‌های مشروع و غیر مشروع.....	۱۱۵
۳-۵. ابهام در مفهوم و جایگاه مشارکت سیاسی.....	۱۲۱
<b>فصل ۲: مبانی انتخابات در فقه شیعه.....</b>	<b>۱۲۹</b>
۱. اصل عدم ولایت.....	۱۳۵
۱-۱. مستندات و ادله اصل عدم ولایت.....	۱۳۸
۱-۱-۱. اصل توحید.....	۱۳۸
۱-۱-۲. خلقت آزاد انسان.....	۱۴۰
۱-۱-۳. استصحاب.....	۱۴۳
۱-۱-۴. استدلال به ادله نقلی.....	۱۴۳
۱-۲. اصل عدم ولایت و امور اجتماعی.....	۱۴۵
۱-۳. کاربرد در انتخابات.....	۱۵۱
۲. خلافت‌اللهی انسان.....	۱۵۲
۱-۲. معنای خلافت.....	۱۵۴
۲-۲. خلیفه‌الله یا خلیفه موجودات دیگر، تعیین مستخلف عنه.....	۱۵۵
۲-۳. مراد از خلیفه‌الله.....	۱۵۶
۲-۳-۱. خلافت‌اللهی همه انسان‌ها.....	۱۵۶

- ۲-۳-۲. انبیاء و اوصیاء تنها دارندگان مقام «خلافت‌اللهی» ..... ۱۶۰
- ۲-۳-۳. خلافت‌اللهی صفتی اکتسابی ..... ۱۶۱
- ۲-۴-۲. خلافت‌اللهی انسان؛ گستره و اهداف ..... ۱۶۲
- ۲-۵-۲. خلافت‌اللهی انسان، مبنایی برای مشارکت ..... ۱۶۴
- ۲-۵-۱. اثبات حق حاکمیت مردمی و مشارکت سیاسی ..... ۱۶۵
- ۲-۵-۲. حدود مشارکت سیاسی ..... ۱۶۶
- الف- هدایت و مبارزه (تبیینی از هدایت الهی و نقش انبیاء) ..... ۱۶۷
- ب- تجمیع هدایت و خلافت (تبیینی از رابطه نقش انبیاء با صفت خلافت‌اللهی انسان در عصر انبیاء و اوصیاء) ..... ۱۶۸
- ج- رابطه خلافت‌اللهی انسان و خط شهادت در عصر غیبت؛ تردد بین تجمیع و افتراق ..... ۱۷۱
- ۲-۵-۳. نقد و بررسی ..... ۱۷۷
- الف- نقد در مبانی ..... ۱۷۷
- ب- نقد تجویزات نظریه مشهور ..... ۱۸۰
- ۲-۶-۲. جمع بندی ..... ۱۸۱
۳. نفی دیکتاتوری و جباریت در اندیشه اسلام ..... ۱۸۳
- ۳-۱-۱. جباریت، معنا، حدود، مقومات ..... ۱۸۸
- ۳-۲-۲. معنای اول جباریت؛ حرمت و راهکار ..... ۱۹۱
- ۳-۲-۱. نظریه تغلب؛ تلاش برای حلال کردن جباریت ..... ۱۹۲
- ۳-۲-۲. خروج از عنوان ..... ۱۹۶
- ۳-۳. معنای دوم جباریت، حرمت و راهکار ..... ۲۰۷
۴. وظایف حکومت اسلامی در مواجهه با مردم ..... ۲۰۹
- ۴-۱. جلب رضایت عمومی ..... ۲۰۹
- ۴-۱-۱. رضایت دیگران در ساحت فردی؛ پسندیده و ناپسند ..... ۲۱۰
- ۴-۱-۲. رضایت عمومی در عرصه حکومت ..... ۲۱۳
- الف. لزوم جلب رضایت عمومی در آثار فقها ..... ۲۱۴
- ب. رضایت عمومی در ساحت حکومت در روایات ..... ۲۱۸
- ۴-۱-۳. گستره رضایت عمومی ..... ۲۲۲

۲۲۵.....	۴-۲. آموزش یا تأدیب و تعلیم.....
۲۲۸.....	۵. کلیات اثر رأی مردم در حکومت اسلامی.....
۲۲۹.....	۵-۱. تحقق بخشی در تشکیل حکومت.....
۲۳۰.....	۵-۱-۱. نقد و بررسی.....
۲۳۱.....	۵-۲. تصمیم‌ساز و تحقق بخشی در تشکیل و اداره حکومت.....
۲۳۶.....	۶. جایگاه و اثر رأی اکثریت.....
۲۳۷.....	۶-۱. تعیین‌کنندگی رأی اکثریت.....
۲۳۷.....	۶-۱-۱. ادله.....
۲۳۷.....	الف- عقل.....
۲۳۸.....	ب- سیره عقلا.....
۲۳۹.....	ج- ادله نقلی.....
۲۴۰.....	ه- استناد به سیره پیامبر اکرم (ﷺ) و امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
۲۴۱.....	۶-۱-۲. نقد و بررسی ادله.....
۲۴۱.....	الف- نقد و بررسی دلیل عقلی و سیره عقلا.....
۲۴۱.....	ب- نقد ادله نقلی.....
۲۵۰.....	ج- بررسی و نقد ادله استناد به سیره.....
۲۶۵.....	۶-۲. مواجهه عقلی با رأی اکثریت.....
۲۶۵.....	۷. بسط ید.....
۲۶۷.....	۸. قاعده حفظ نظام و تشکیل حکومت اسلامی.....
۲۶۷.....	۸-۱. معنا و کاربرد در مباحث فقهی.....
۲۶۷.....	۸-۱-۱. کاربرد در حفظ نظام اقتصادی جامعه.....
۲۶۹.....	۸-۱-۲. کاربرد در حفظ نظام اجتماعی.....
۲۷۰.....	۸-۱-۳. کاربرد در نظام سیاسی.....
۲۷۲.....	۸-۲. ادله قاعده حفظ نظام.....
۲۷۲.....	۸-۲-۱. دلیل عقلی.....
۲۷۲.....	۸-۲-۲. ادله نقلی.....
۲۷۴.....	۸-۳. کاربرد در انتخابات.....
۲۷۴.....	۹. سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مواجهه با دیدگاه مردمی در انتصاب کارگزاران.....

- ۹-۱. عزل قیس بن سعد از کارگزاری مصر ..... ۲۷۵
- ۹-۲. انتصاب محمد بن ابی بکر به حاکمیت مصر ..... ۲۸۱
- ۹-۳. انباء ابوموسی اشعری به عنوان حاکم کوفه ..... ۲۸۲
- ۹-۴. آراء اصحاب در کنار آراء مردم ..... ۲۸۴
- فصل ۳: الزام‌های انتخابات در فقه شیعه ..... ۲۸۷**
۱. حق انتخاب شدن ..... ۲۸۸
- ۱-۱. حق انتخاب شدن در تناسب با نظریات مبانی مشروعیت حکومت اسلامی ..... ۲۸۹
- ۱-۲. حق انتخاب شدن بر اساس مبانی ..... ۲۹۱
- ۱-۲-۱. حق نامزدی بر اساس «اصل عدم ولایت» ..... ۲۹۲
- ۱-۲-۲. حق نامزدی بر اساس «نظریه خلافت الهی انسان» ..... ۲۹۳
- ۱-۳. مناصب ولایی و غیرولایی ..... ۲۹۴
- ۱-۳-۱. محدودیت حق انتخاب شدن در مناصب ولایی ..... ۲۹۸
- الف. اقلیت‌های دینی ..... ۲۹۸
- ب. جنسیت و حق انتخاب شدن ..... ۲۹۹
۲. اعلام نامزدی ..... ۳۰۰
- ۲-۱. اعلام نامزدی در تناسب با نظریات مبانی مشروعیت حکومت اسلامی ..... ۳۰۱
- ۲-۲. روایاتی که طلب ریاست را مطلقاً مردود دانسته‌اند ..... ۳۰۱
- ۲-۳. روایاتی که طلب ریاست را تنها مذموم دانسته‌اند ..... ۳۰۶
- ۲-۴. روایاتی که قیوداتی را برای نهی از ریاست طلبی و رئیس شدن بیان کرده‌اند و یا وجوه غیر مذموم را بیان کرده‌اند ..... ۳۰۹
- ۲-۵. جمع‌بندی ..... ۳۱۳
۳. صلاحیت داوطلبان ..... ۳۱۶
- ۳-۱. ویژگی‌های نقلی ..... ۳۱۷
- ۳-۱-۱. اسلام و تشیع ..... ۳۱۷
- ۳-۱-۲. فاسق نبودن (التزام عملی به اسلام) ..... ۳۱۷
- ۳-۱-۳. علم به احکام الهی مربوط به وظایف و اختیارات منصبی که برای تصدی آن کاندید شده است ..... ۳۱۸
- ۳-۱-۴. شرط ذکوریت ..... ۳۲۰

۳۲۰	۲-۳. شرایط عقلی
۳۲۰	۱-۲-۳. شایستگی اداره
۳۲۱	۲-۲-۳. محبوبیت و نفوذ کلام میان مردم
۳۲۱	۳-۲-۳. بری بودن از اتهام مؤثر فسادهای مالی
۳۲۲	۴-۲-۳. وجود صفاتی دیگر
۳۲۲	۴. رأی دهی
۳۲۲	۱-۴. حق رأی دهی
۳۲۴	۱-۱-۴. حق رأی دهی در تناسب با نظریه‌های مبانی مشروعیت حکومت اسلامی
۳۲۵	۲-۱-۴. حق رأی دهی بر اساس مبانی
۳۲۸	۳-۱-۴. حق رأی دهی در روایات
۳۳۲	۴-۱-۴. حق رأی دهی در ساحت سیاست، حکم رأی دهی در ساحت فقه
۳۳۹	۵-۱-۴. حق رأی اقلیت‌های دینی و زنان
۳۳۹	۲-۴. وجوب شرکت در انتخابات
۳۴۰	۳-۴. رأی به اصلح
۳۴۲	۴-۴. رأی به صالح مقبول
۳۴۵	۵-۴. رأی لیستی
۳۴۷	۵. بایسته‌های تبلیغات
۳۴۹	۱-۵. اغراء به جهل
۳۵۳	۲-۵. تدلیس
۳۵۴	۳-۵. شهرت
۳۵۵	۱-۳-۵. روایاتی که شهرت را قبیح دانسته‌اند
۳۷۱	۲-۳-۵. روایاتی که شهرت را غیر مذموم دانسته‌اند
۳۷۸	۴-۵. تبلیغ برای غیر اصلح
۳۸۸	۵-۵. نقد، سیاه‌نمایی و تخریب
۳۹۶	۶. مسائل مالی انتخابات
۳۹۸	۱-۶. مسائل مالی انتخابات در تناسب با نظریات مبانی مشروعیت حکومت اسلامی
۳۹۹	۲-۶. هزینه‌های برگزاری انتخابات، بیت‌المال و ضمان
۴۰۵	۳-۶. هزینه‌های تبلیغات

۴۰۸	۴-۶. منابع مالی تبلیغات.....
۴۱۴	۴-۶-۱. چگونگی هزینه کرد منابع مالی.....
۴۱۴	الف- خرید رأی.....
۴۲۴	ب- هزینه های جاری تبلیغات.....
۴۲۵	ج- هزینه های رسانه ای.....
۴۲۵	۴-۶-۲. میزان هزینه کرد انتخابات؛ محدودیت های کمی و کیفی.....
۴۲۸	۷. شفافیت.....
۴۳۳	۸. نظارت.....
۴۳۴	۸-۱. انواع نظارت.....
۴۳۵	۸-۲. اصل برائت و نظارت.....
۴۴۰	۸-۳. اصالة صحت، حُسن ظن و اصالة عدالت در نظارت بر انتخابات.....
۴۴۸	۸-۴. تقلب در انتخابات.....
۴۴۹	منابع و مأخذ.....
۴۶۵	نمایه.....

## سخن ناشر



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان

منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



## مقدمه دکتر سیدمحمد رضا احمدی طباطبائی



یکی از مسائل مهم و پایدار در تاریخ تطور اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی بشر، حکمرانی مطلوب<sup>۱</sup> و بایسته‌های آن بوده است. حکمرانی مطلوب و حکومت خوب<sup>۲</sup> در کانون مباحثات و مناقشات فلسفه سیاسی کلاسیک از دیرباز قرار داشته است. زندگی اجتماعی بشر به حکم ضرورت و ویژگی‌های فطری و طبیعی آدمی، زندگی اجتماعی سامان یافته توأم با بهزیستی و تکامل بوده است. انسان طبیعتاً و به تعبیر ارسطو ضرورتاً جاننداری اجتماعی است.<sup>۳</sup> زندگی اجتماعی بشر به دلیل برخورداری انسان از موهبت الهی خرد و در پرتو خردورزی از دیرباز روند تکاملی را پیموده است. زیست اجتماعی آدمی بدون وجود حکومت و قوه قاهره‌ای که نظم و انضباط و امنیت را برقرار و حقوق و تکالیف آحاد مردم در جامعه را سامان دهد، امکان پذیر نیست؛ هر چند برخی نظریه پردازان مارکسیست یا آنارشویست از جامعه مطلوب

---

1. Good Governance  
2. Good government  
3. Human by nature is a social animal

بی حکومت و بی دولت سخن گفته‌اند؛ اما این انگاره با واقعیت امر سیاسی در عمل سازگاری ندارد. در بامداد اسلام نیز خوارج در تقابل با حکومت حضرت امیر (علیه السلام) و با کج فهمی از آیه شریفه «إِنَّ الْحَكْمَ لِلَّهِ» به نفی حکومت در جامعه اسلامی پرداختند. امام علی (علیه السلام) در نفی دیدگاه انحرافی آنان فرمودند: «لَا بَدَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَا وَائِلٍ ظُلُومِ غَشُومٍ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومٍ». در مورد اینکه چه نظام و حکومتی می‌تواند سعادت و خوشبختی فرد و جامعه را تأمین نماید، متفکران و فلاسفه سیاسی از دیرباز اندیشیده و دیدگاه‌های متفاوتی را با توجه به اقتضائات جامعه و عصر خویش ابراز داشته‌اند. فلاسفه برجسته یونان باستان یعنی افلاطون و ارسطو و فلاسفه متقدم جهان اسلام مانند ابونصر فارابی از پیش‌قراولان نظریه‌پردازی در این ساحت مهم امر سیاسی در مغرب‌زمین و جهان اسلام هستند. افلاطون پس از آنکه از چهار نوع نظام سیاسی حاکم بر دولت شهری یونان (نظام‌های تیمارشی، الیگارشی، دموکراسی و تورانی) در کتاب جمهوریت<sup>۱</sup> نام می‌برد و معایب و کاستی‌های آن‌ها را یادآور می‌شود، حکومت فیلسوفان را به‌عنوان یک نظام آرمانی و مطلوب بر حکومت‌های موجود در جوامع یونانی ترجیح می‌دهد و تأمین خوشبختی آحاد اجتماعی را در تحقق آن جستجو می‌کند. ارسطو شاگرد برجسته افلاطون نیز حکومت‌ها را به دو دسته مطلوب و نامطلوب تقسیم می‌کند و سه نوع و سه شکل فردی، گروهی و جمعی را برای هر یک در هر دو شکل خوب و بد تبیین می‌نماید، و نهایتاً حکمرانی طبقه متوسط را با رعایت اعتدال و میانه‌روی که مرکز ثقل نظریه اخلاقی و سیاسی ارسطو در دو ساحت فردی و اجتماعی است را بر اشکال دیگر برتری می‌دهد. ابونصر فارابی (متوفی ۳۳۹) نیز با رویکردی توحیدی و

سعادت محور حکومت‌های نامطلوب و غیرفاضله را به جاهله، فاسقه، ضاله و مبدله تقسیم می‌کند. جاهله نیز خود می‌تواند با توجه به اغراض و اهداف غیرفاضله آدمی اشکال مختلف به خود گیرد و نهایتاً نظام‌های سیاسی با محوریت سعادت و نیک‌فرجامی را به دو دسته عمده تقسیم می‌نماید: ۱- مدینه یا مُدُن فاضله؛ ۲- مدینه یا مُدُن غیرفاضله که فارابی در رساله‌ای به نام «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاسه المدنیه» ویژگی‌ها و بایسته‌های آن را با الهام از جهان بینی دینی و توحیدی اسلامی ترسیم و تبیین نموده است. در جهان غرب و به دنبال تحولات اجتماعی و مذهبی مانند جنبش اصلاح مذهبی و به اقتضای آن تحولات فکری و ساختاری و انقلاب صنعتی و زوال قدرت کلیسا و افول فئودالیسم و ظهور طبقه متوسط جدید، شیوه حکمرانی مطلوب مورد چالش و مناقشه جدی واقع شد. متفکران برجسته قرن هجدهم در آن دوران یعنی هابز، لاک و روسو که از آنان به عنوان اصحاب قرارداد اجتماعی یاد می‌کنند نظریه مهمی را به نام پیمان اجتماعی<sup>۱</sup> مطرح و از آن دفاع کردند. البته خوانش هابز، لاک و روسو از این نظریه با یکدیگر تفاوت داشت؛ اما جوهر و گوهر نظریه قرارداد اجتماعی که عنصر رضایت<sup>۲</sup> و حاکمیت عمومی در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه بود، در این نظریه مهم و تأثیرگذار باقی ماند؛ به بیان دیگر، بشر در تکامل اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در حوزه حکمرانی بر نظریه قرارداد اجتماعی در قرن هجدهم رسید که اساس آن بر رضایت عمومی از حکومت و انتخاب نمایندگان و متولیان امر سیاست و حق حاکمیت آحاد مردم در جامعه قرار داشت؛ ابراز این رضایت نیز به‌ویژه با خوانش لاک از طریق انتخابات و تشکیل نظام پارلمانی قابل سنجش و تحقق بود. نظریه قرارداد اجتماعی از نظریات عمده و

1. Contract Social  
2. Consent

تأثیرگذاری بود که ابتدا در مغرب زمین تکامل یافت و سپس در جوامع بشری در قالب نظام پارلمانی که مبتنی بر انتخابات بود به کار بسته شد و در قوانین اساسی کشورها در قالب نظام پارلمانی اعم از ریاستی و غیرریاستی و یا سلطنت مشروطه بازتاب یافت. این رویکرد علی‌رغم مخالفت‌های ارباب و اصحاب قدرت استبدادی، به تدریج به عنوان یک شیوه عقلانی در امر حکمرانی در کشورهای مختلف، البته با مراتب گوناگون مورد اقبال قرار گرفت. در ایران و به دنبال نهضت مشروطیت و به ثمر رسیدن و صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ ش، اولین قانون اساسی و سپس متمم آن تدوین یافت. قانون اساسی مورد نظر مشروطه‌خواهان و به ویژه مراجع دینی و علماء مشروطه خواه بر مبنای ملاحظه شریعت نبوی در عصر غیبت و به عنوان میثاقی میان مردم و حکومت برای اولین بار در تاریخ ایران و در اوایل قرن بیستم به ثمر رسید. از مهم‌ترین رسائل مدافع مشروطیت که توسط یکی از اعظام مراجع تقلید شیعه در نجف اشرف نگاشته شد، «تنبیه الامه و تنزیه المله» از علامه نائینی بود که با تقریظ دو تن از مراجع دیگر مشروطه خواه، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و ملا صالح مازندرانی، اهمیتی مضاعف یافت. آخوند خراسانی در این رساله دینی و سیاسی، حکومت قانون، تحدید قدرت سیاسی، تشکیل پارلمان و انتخاب نمایندگان از سوی ملت را برای زدودن غبار استبداد از حکمرانی و با تحلیلی عقلی و دینی تأیید نمود. علامه نائینی در مقدمه کتاب با هجمه به حکمرانی استبدادی و خودکامه، مشروطه شدن حکومت به حدود و موازین قانونی مورد تأیید ملت و منطبق با آموزه‌های دینی را در عصر غیبت مورد تأکید و تشویق قرار داد و ادله‌ای عقلی و نقلی در دفاع از حکمرانی مشروطه در عصر غیبت از منظر فقه شیعه امامیه را اقامه نمود. به باور علامه نائینی حکومت مشروطه در مقابل حکومت مطلق استبدادی پادشاه در عصر غیبت به شرط تحقق لوازم قطعاً مقدم و مرجح و

باعث کاهش ظلم، احقاق حقوق رعیت، نظارت عمومی و مساوات در برابر قانون می‌شد و دست زمامداران و کارگزاران مستبد را از تعدی به حقوق عامه بازمی‌داشت. این حکومت به تعبیر علامه بر اساس قانون اساسی و تشکیل مجلس مشورتی (پارلمان) مبتنی بر رعایت مصالح نوعیه تلقی می‌شد. انقلاب مشروطه در تاریخ ایران با موانع جدی مواجه و در دوره پهلوی اول با بن‌بست استبداد و دیکتاتوری مواجه شد. با نضج و شکوفایی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، مسئله شیوه حکمرانی مجدداً موضوعیت یافت. قانون اساسی جمهوری اسلامی که در سال ۱۳۵۸ به تصویب ملت رسید، با توجه به اقتضائات سیاسی-اجتماعی و شرایط انقلابی جامعه اسلامی در قالب و محتوای جدید محور حکمرانی قرار گرفت. در قانون اساسی جدید که از آن زمان به بعد قانون اساسی جمهوری اسلامی نام گرفت، جمهوریت و اسلامیت در تلاطم با یکدیگر در جهت ایجاد جامعه‌ای نوین در کنار یکدیگر و در پیوند با یکدیگر محوریت یافت و مقوله انتخابات به‌ویژه با حق رأی و انتخاب شدن و انتخاب کردن طبقه نسلوان و تأیید دینی آن عرصه سیاسی ایران را دستخوش تحول مهمی ساخت. بر اساس تبیین اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، انتخابات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر مشارکت سیاسی در تعیین نهادهای حاکمیتی و کارگزاران حکومتی و نمایندگان مردمی مورد اقبال واقع شد و در عمل تبلوربخش جمهوریت نظام سیاسی جدید به آن پیوند خورد. مقوله انتخابات در تمام نظام‌های دموکراتیک یا مردم‌سالار مهم‌ترین راه برای جابه‌جایی مسالمت‌آمیز و عقلانی قدرت سیاسی و کارگزاران حکومتی محسوب می‌شود که راه‌های خشونت‌آمیز تبادل قدرت سیاسی که در ادوار مختلف تاریخی در شرق و غرب به‌وفور ظهور و بروز داشته را تا حد زیادی سد می‌کند. عنصر معنوی انتخابات همان احراز رضایت عمومی با رأی

اکثریت است که در اثر مهم جان لاک به نام دو رساله در باب حکومت<sup>۱</sup> با تفسیر فراوان تبیین شده است. انتخابات آزاد و مردم‌محور و مستظهر به پشتوانه احزاب و جریان‌های سیاسی یک کشور در تعیین سرنوشت سیاسی کشورها در جهان امروز از اعتبار سترگی برخوردار شده است. البته التزام به انتخابات به تعبیر منطقی، التزام به لوازم آن را نیز طلب می‌کند که در جای خود می‌بایست به آن پرداخته شود. در اثر پژوهشی حاضر که توسط جناب آقای دکتر سید محمدصادق کاظمی تدوین و تألیف یافته، تلاش شده است تا مقوله انتخابات و مؤلفه‌های مهم آن از منظر فقه سیاسی شیعه امامیه مورد بازشناسی و واکاوی قرار گیرد و با نگاهی درون‌دینی و فقهی و جزئی‌نگر مبانی، مؤلفه‌ها و الزامات آن مورد مذاقه و تحلیل و کاوش قرار گیرد. از آنجاکه در نظام سیاسی جمهوری اسلامی دو بال جمهوریت و اسلامیت مشترکاً مبنای حکمرانی مطلوب واقع شده و در تحقق آن به‌ویژه جهت حفظ و تأثیر رویکرد جمهوریت نظام مقوله انتخابات و مشارکت عمومی اهمیت دوچندان یافته، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پژوهشی بنیادی و نظری در تنقیح و تکمیل مباحث مربوط به فقه سیاسی از منظر آموزه‌های دینی و شیعی مورد توجه و مطالعه قرار گیرد.

## مقدمه



انتخابات به عنوان بارزترین و تأثیرگذارترین وجه از مشارکت سیاسی که آینده حکمرانی و سیاست را در حوزه عمومی رقم می‌زند، به دنبال تحولات سیاسی اجتماعی جوامع بشری به ویژه در دوره جدید مغرب‌زمین برجسته شده است. انتخابات بر پایه مشارکت سیاسی مفهوم وسیعی است که سخنان زیادی نیز پیرامون آن در اندیشه متفکران اسلامی و غربی بیان شده است. هرچند روش‌های مشارکت متنوعی در تاریخ دیده می‌شود؛ اما میان آنان و انتخابات تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود؛ بنابراین انتخابات به عنوان یک مفهوم نوین در علوم سیاسی، گونه‌ای از مشارکت سیاسی است که به جهت جدید بودن و همچنین فراگیری و گستردگی آن همچنان می‌تواند مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. این مطالعه‌ها در مکاتب و اندیشه‌ها بر اساس مبانی مشارکت سیاسی و آن دسته از باورهای سیاسی هر اندیشه که مرتبط به مشارکت سیاسی می‌شود، گره خورده و در یک نظام منظم مطالعاتی از این مبانی آغاز می‌شود. این نگاه در اندیشه‌های دینی مهم‌تر و آشکارتر است. کتاب حاضر

با عنایت به ارتباط وثیق مبانی اندیشه سیاسی با شکل‌گیری ساختارهای سیاسی، بحث خود را از مبانی انتخابات آغاز می‌کند و به جهت اهمیت مبانی مشروعیت دولت در اندیشه سیاسی شیعه، آن را در فصل مجزایی بحث و بررسی و سپس با عنایت به آنکه پژوهش فقهی به معنای صدور حکم شرعی برای موضوعات یا همان مسائل است، به مسائل انتخابات می‌پردازد. از آن‌رو که نوشته حاضر نگارش در حوزه فقه مضاف است و به مسئله مستحدثه‌ای به نام انتخابات پرداخته است و همچنین از آن‌رو که برای خوانندگان گرامی چرایی بحث در مسائل عنوان شده در فصل سوم و مسکوت گذاشتن دیگر مسائل انتخابات آشکار گردد، نیاز است تا در این مقدمه به بیان مختصری از روش یافت مسائل و رجوع به منابع دینی به میان آید.

#### ۱. مسائل مستحدثه و روش فقها در بخش معاملات

انتخابات از عناوین موجود در فقه نیست؛ بنابراین مسیر و روش پرداخت فقهی به آن نیازمند دقت و گاه متفاوت از مسیرهای شناخته‌شده پژوهش‌های امروزی است. در نوشتار پیش‌رو ادعا بر آن است که می‌توان انتخابات را به عنوان یک عنوان فقهی مستقل مورد پژوهش فقهی قرار داد. عنوانی که می‌تواند در کنار عناوین دیگر فقهی در کتب فقهی قرار گیرد. این به معنای ایجاد التقاط نیست بلکه این همان روش فقها در بخش معاملات است. در معاملات، عنوان و مسائل آن از عرف دریافت می‌شود. در مسائل مستحدثه علاوه بر عرف، بخش دیگری از مسائل از منابع روایی و آثار فقهی فقها دریافت، سپس به شرح عرضه و ضمن بیان مسائل آن، نوع مطلوب آن نیز از شارع طلب می‌شود. دریافت مسائل از منابع روایی خصوصاً در عناوین سیاسی - اجتماعی می‌تواند بیش از دریافت از آثار فقهی باشد؛ به عنوان مثال مطالعه روایات مسئله‌ای به نام ترأس (رئیس شدن) برای عنوان انتخابات. در



روایات ترأس امری مذموم تلقی شده است؛ در حالی که برخی از مراحل انتخابات در گرو تلاش برای کسب ریاست است؛ بنابراین می‌تواند یکی از مسائل انتخابات باشد. همچنین ترکیه نفس که با تعریف و تبلیغ خود در انتخابات تقابل دارد، می‌تواند یکی از مسائل انتخابات شود. تفاوت میان حق و حکم و اثرگذاری مستقیم آن بر حرمت و حلیت خرید و فروش رأی نیز می‌تواند مثالی برای مسئله‌یابی از منابع فقهی باشد. نویسنده برای دریافت این بخش از مسائل، ضمن مطالعه کتب فقهی اقدام به مطالعه منابع روایی متعددی با نگاه سیاسی کرده است و معتقد است می‌توان این کتب را با عناوین سیاسی مجدد تبویب نمود. مسائلی چون ریاست طلبی، شهرت، تدلیس، اغراء به جهل، حُسن ظن، اصل عدالت در نظارت بر انتخابات، تفکیک حق و حکم و آثار آن در انتخابات از مواردی هستند که در مطالعه منابع روایی و رجوع به منابع فقهی استخراج شد. باید دقت شود، از آن رو که منابع روایی بر اساس پرسش‌های زمان خود تبویت شده‌اند، روش مدخل‌یابی نمی‌تواند برای دریافت پاسخ و مسئله از این منابع کمک‌کار باشد. در روش مدخل‌یابی مدخل‌های مشابه موضوع تحقیق در منابع دست اول مورد جستجو قرار می‌گیرند و تنها آن دسته از داده‌هایی که این مدخل‌ها در آن وجود دارند، استخراج می‌شوند؛ به عنوان مثال در مسئله امنیت، تنها روایات و آیاتی که عبارتی چون امن، امان و ... در آن به کار رفته است، مورد توجه قرار می‌گیرند. روشی که نگارنده در جمع‌آوری محتوا از منابع مذکور استفاده کرده، «معنایابی» است؛ بدین معنا که هر معنا، محتوا و داده‌ای که می‌تواند مبنایی برای انتخابات باشد را با سؤالی از مسائل انتخابات پاسخ دهد و یا به یافتن پاسخ کمک نماید، استخراج گردد. نگارنده بر این باور است که بسیاری از روایاتی که در ابواب غیر مرتبط با مقوله انتخابات قرار دارند نیز ممکن است یکی از منابع پاسخ به مسائل انتخابات بوده و یا به عنوان موضوعی در مبانی قرار گیرد.

رجوع به عرف (شامل بررسی تجربه فعالان سیاسی و آثار اندیشمندان سیاسی) انبوهی از مسائل در مورد انتخابات را مطرح می‌کند که نیازمند دسته‌بندی و نظم‌دهی به آن به منظور نائل آمدن به هدف نوشتار حاضر می‌باشد. به این منظور نویسنده با بررسی مراحل انتخابات و تدقیق تجربه‌های انتخاباتی اساتید علوم سیاسی، فعالان سیاسی، پژوهش‌هایی که به احصاء مسائل انتخابات پرداخته‌اند، مسائل نوشتار حاضر را استخراج نمود. همچنین نویسنده سطور حاضر به منظور درک دقیق‌تر از مسائل انتخابات، اقدام به مشارکت در جلسات انتخاباتی در سه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸ و ریاست جمهوری ۱۴۰۰ برخی از گروه‌ها، جریان‌ها و احزاب سیاسی‌ای که در انتخابات نقش به‌سزایی دارند، نمود. نتایج به دست آمده با عناوین استخراج شده از منابع روایی و فقهی دقیق‌تر و تکمیل شد.

## ۲. مسائل مستحدثه، موضوع‌شناسی و وظیفه فقیه

در آن دسته از پژوهش‌های فقهی که به مسائل مستحدثه می‌پردازند، «وظیفه فقیه در موضوع‌شناسی و حکم تقلید در آن» یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین پرسش‌هاست. پاسخ گفتن به این پرسش به معنای معین کردن گستره اختیار فقیه از یک سو و اختیارهای عرف از سوی دیگر در تشخیص موضوع، شرایط و ویژگی‌های آن است. پاسخ به این سؤال، آثار مهمی بر نتایج نوشتار حاضر دارد؛ به عنوان مثال، آیا فقیه موظف به شناخت ماهیت قدرت و صدور حکم برای آن می‌باشد؟ به همین جهت در ادامه تلاش می‌شود تا مسئله موضوع‌شناسی و وظیفه فقیه مورد کنکاش قرار گیرد؛ به این منظور ابتدا باید دو مفهوم «متعلق موضوع» و «موضوع حکم» بررسی شوند.

متعلق موضوع: تعاریف گوناگونی برای متعلق موضوع بیان شده است. در

میان این موارد، تعریف میرزای نائینی و شهید صدر بیش از تعاریف دیگر مورد پذیرش قرار گرفته است. نائینی متعلق موضوع را «فعل و یا ترک فعلی که از بنده خدا خواسته شده است» می‌داند. وی بنا بر تعریف خود، حج، روزه و نماز را از نمونه‌های متعلق موضوع معرفی می‌کند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۴۵). شهید صدر در تعریف خود از متعلق موضوع می‌گوید: «متعلق موضوع، افعالی است که حکم شرعی مقتضی ایجاد و یا نهی از آن است». وی مواردی چون صلاة در حکم «صل»، شرب خمر در عبارت «لا تشرب الخمر» را نمونه‌هایی از متعلق موضوع معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۷۷). هر دو مطلب ذکر شده به یک معنا بوده و نمی‌توان تفاوتی میان آن بیان کرد؛ بنابراین این تعریف مورد پذیرش پژوهش حاضر قرار گیرد.

**موضوع حکم:** برای موضوع حکم همچون متعلق موضوع، تعاریف گوناگونی بیان شده است. امام خمینی (ره)، موضوع را آن چیزی می‌داند که فعلیت حکم وابسته به فعلیت آن است (خمینی (الف)، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۲۱۴). وی در مثال اوفوا بالعقود، عقود را موضوع و وفاء را متعلق معرفی می‌کند (خمینی (الف)، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۲۶۰). میرزای نائینی موضوع را آن چیزی می‌داند که در متعلق حکم «مفروض الوجود» فرض شده است (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۴۵). نائینی مکلف مستطیع بالغ عاقل در وجوب حج را مثالی برای موضوع ذکر می‌کند؛ زیرا وجود این مکلف مفروض پنداشته شده است (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۳۶). وی در بیانی دیگر، موضوع را آن چیزی می‌داند که حکم شرعی بر آن مترتب می‌شود. نائینی در این تعریف، تفاوت شرط و موضوع را تنها در اصطلاح می‌داند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۸۹). شهید صدر نیز موضوع را همانند نائینی تعریف می‌کند؛ وی موضوع حکم را اشیاء خارجی می‌داند که متعلق به متعلق اول (متعلق به متعلق الموضوع) هستند. صدر خمر در حکم لا تشرب الخمر، العالم در حکم اکرم العالم، دخول وقت در امر

به نماز، بلوغ، عقل و قدرت در نفس تکلیف را از نمونه‌هایی از موضوع حکم بیان می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۷۷). به نظر می‌رسد در میان تعاریف ذکر شده، تعریف شهید صدر گویاتر و همچنین جامع‌تر از دو مورد دیگر است. نمونه‌هایی که صدر ذیل تعریف خود بیان کرده است، نشان از این جامعیت دارد.

با آشکار شدن تعریف موضوع و متعلق آن، اکنون باید به بررسی وظیفه فقیه در شناخت هر کدام پرداخت. آن‌گونه که در سطور فوق تبیین شد، متعلق موضوع همان فعل مکلف است. فقیه از آن رو که به دنبال استنباط احکام شرعی افعال مکلفان است، باید در تشخیص فعل دخالت کند؛ به عنوان مثال فقیه باید این مسئله را مشخص کند که آیا استعمال آینه طلا و نقره شامل نگاه کردن در آن نیز می‌شود؟ در این مسئله یعنی لزوم دخالت فقیه در متعلق موضوع اختلافی در کلام فقها دیده نمی‌شود؛ اما کلام فقها در مسئله شناخت موضوع توسط فقیه متفاوت است. در این مسئله، اختلاف‌هایی میان کتب فقهی دیده می‌شود.

برخی از فقها در تلاش برآمده‌اند تا با ارائه تقسیماتی از موضوعات، دخالت فقیه در تشخیص برخی از آنان را ضروری قلمداد کنند و با مقید کردن جمله فوق منظور از آن را به صورت واضح‌تری بیان نمایند. کاشف‌الغطاء ضمن تأکید بر لزوم رجوع به عالم برای تشخیص موضوع، موضوعات را به چهار دسته تقسیم می‌کند: «شرعی، لغوی، عرفیه خفیه و عرفیه غیر خفیه». منظور وی از موضوعات عرفیه خفیه آن دسته از موضوعاتی است که برای شناخت آن راهی جز فهم دقیق شرع نیست. وی سپس رجوع به مجتهد در سه دسته اول را لازم می‌داند (جعفر بن خضر کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۱۲). کاشف‌الغطاء برای موضوعات عرفیه خفیه مثالی ذکر نمی‌کند؛ اما از آن رو که این بحث را ذیل احکام حیض مطرح می‌کند، می‌توان

احتمال داد منظور وی ویژگی‌های متمایزکننده حیض از غیر آن بوده است. ملا احمد نراقی نیز موضوعات را به «موضوعاتی که شارع در تبیین آن دخالت کرده» و «موضوعاتی که شارع در تبیین آن دخالت نکرده است» تقسیم می‌کند. سپس بیان می‌کند در صورتی که فقیه به بیان موضوعی که شارع در تبیین آن دخالت کرده است، پردازد؛ در واقع «اخبار از قول امام معصوم» کرده است و به جهت وجود این اخبار، تقلید از نظر فقیه واجب است. وی تأکید می‌کند که فقیه حق دخالت در تشخیص موضوعات دسته دوم را ندارد. نراقی مثالی برای کلام خود ذکر می‌کند:

«هنگامی که فقیه به عدم جواز استعمال ظروف طلا حکم کند و سپس با تفسیر کلمه «ظرف»، سرمه‌دان و آینه را نیز «ظرف» معرفی کند و از سوی دیگر، استعمال را شامل نگاه کردن در آینه نیز بداند؛ بر مقلد واجب است که این حرمت و تفسیرهای بعدیش را از مجتهد بپذیرد و جائز نیست که بگوید: «در موضوع، تقلید وجود ندارد»... زیرا (این دخالت در موضوع) اخبار از قول شارع است»<sup>۱</sup> (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۵۴۶).

در فقره بالا، استعمال آینه، فعل مکلف و متعلق موضوع است و نه موضوع؛ از این رو گسترده کردن مفهوم این استعمال و یا مضیق کردن آن کار فقیه است؛ بنابراین این مسئله به دخالت فقها در موضوعات مربوط نمی‌شود؛ اما سخن ملا احمد نراقی در قرار دادن آینه در مفهوم ظرف دخالت

۱. إذا حکم الفقیه بأنّ إنباء الذهب غیر جائز الاستعمال، و فسرّ الإناء بما یشمل المكحلة و ظرف المرأة، و الاستعمال بما یشمل رؤية الوجه في المرأة أيضا، فإنه یجب علی المقلد قبول الحرمة فيما فسرّه به، و لا یجوز له أن یقول: لا تقلید في الموضوع، لشمول جميع الأدلة لهذا الاستنباط أيضا، لأنه إخبار عن قول الشارع.

فقیه در موضوع است. ظاهر این کلام با عبارت مشهور «عدم دخالت فقها در موضوعات» سازگاری ندارد؛ اما با دقت در عبارات نراقی می‌توان این نکته را دریافت که در مواردی که شارع دخالت در توسعه و یا تضییق مفهوم عرفی کرده است، فقیه موظف است این دخالت شرع را مورد بررسی اجتهادی خود قرار دهد و نظر فقهی خود را بیان نماید. بر این اساس عدم دخالت فقیه تنها در موضوعاتی است که شارع نسبت به توسعه و تضییق آن سخنی به میان نیاورده است؛ عبارت «اخبار از قول شارع» که نراقی آن را مطرح کرده است، می‌تواند اشاره به این تفکیک داشته باشد.

صاحب جواهر فقیه دیگری است که با دسته‌بندی موضوعات در تلاش است تا منظور از موضوعاتی که در تشخیص آن تقلید لازم نیست را مشخص کند. وی سخن از موضوعاتی به میان می‌آورد که شناخت آن نیازمند بحث نظری است. سپس تقلید عامی از مرجع را در این دسته از موضوعات لازم می‌داند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۴۰۵). وی «بلوغ» را از مفاهیمی می‌داند که در عرف و لغت مشخص و معین شده است و برای شناخت آن نیاز به بحث نظری نیست. قرار دادن عرف و لغت در مقابل بحث نظری در مثال مذکور، این احتمال را در ذهن ایجاد می‌کند که منظور صاحب جواهر از موضوعاتی که نیاز به بحث نظری دارند، آن دسته از موضوعاتی است که شرع فهم آنان را به عرف واگذار نکرده و خود برای تعیین آنان نظر داده است. این کلام بسیار نزدیک به آن چیزی است که ملا احمد نراقی نام آن را «اخبار از قول شارع» گذاشت.

باتوجه به دیدگاه‌های ذکر شده، لزوم دخالت فقیه در برخی از موضوعات عرفی را عیان می‌کند. با چشم‌پوشی از تفاوت‌های دو نظری که بیان شد، لزوم دخالت فقیه در تشخیص آن دسته از موضوعات عرفی که شرع در توسعه و تضییق آن دخالت کرده است، آشکار می‌شود؛ بنابراین در جمله‌ای کوتاه می‌توان این‌گونه گفت که در آن دسته از موضوعاتی که شرع در تبیین، توسعه

و تضييق آن سخن نگفته است، تقلید از مرجع نیاز نیست و فقیه وظیفه‌ای برای تبیین این موارد ندارد. می‌توان «حزب» را مثال مناسبی برای این دسته از موضوعات دانست.

در جمع‌بندی بخش حاضر باید این‌گونه گفت که متعلق موضوع همان فعل مکلف و موضوع، اشیاء خارجی هستند که متعلق به متعلق الموضوع هستند؛ به عنوان مثال در این گزاره: «برگزاری انتخابات برای کسب قدرت جائز است.» برگزاری انتخابات از آن رو که فعل مکلف است، متعلق موضوع و انتخابات از آن رو که شیء خارجی است، موضوع است؛ در مثالی دیگر این‌گونه می‌توان گفت: در بررسی مسئله «کودتا» با نگاه فقهی، «کودتا» موضوع و کسب قدرت از راه کودتا متعلق موضوع می‌باشد. فقیه می‌تواند قیودات کسب قدرت توسط کودتا را مطرح کند؛ مثلاً قید عدم ظلم توسط نیروهای نظامی را مطرح نماید؛ اما نیازی به تقلید از فقیه در شناخت چیستی کودتا نیست.

در پایان این مقدمه که به جهت ماهیت میان‌رشته‌ای و قرار داشتن در فقه مضاف، مسیری جز نگارش مبسوط آن نبود، از هدایت‌های استاد متضلع و مجتهد مبرز خود، حضرت حجت‌الاسلام و المسمین دکتر حسین علی سعدی کمال تشکر را به عمل می‌آورم. این اثر برگرفته از رساله دکتری نویسنده می‌باشد که در شهریور ۱۳۹۹ دفاع شده است؛ لذا از گروه هدایت‌گر رساله خصوصاً دکتر سید محمد رضا احمدی طباطبایی و داورهای گرامی و همچنین دکتر سید مجتبی عزیزی که در گام‌های نخست تدوین سازمان این پژوهش، یاری‌رسان بنده بودند، قدردانی به عمل می‌آورم. نوشتار حاضر را به روح بزرگ مرحوم پدرم که عمر خود را صرف خدمت به مکتب آل‌الله و حوزه‌های علمیه نمود، تقدیم می‌نمایم.

گسترده بودن انتخابات، مسائل آن و پیدایش مسائل جدید در انتخابات سبب می‌شود برخی از مسائل آن امکان درج در کتاب حاضر را نداشته باشد؛

لذا نویسنده بر آن است تا این موارد را در تحقیقی دیگر تکمیل نماید. این اثر مانند بسیاری از آثار علمی دیگر دارای خطاهای احتمالی است؛ لذا از پژوهشگران و اساتید حوزه فقه سیاسی خواهشمندم این موارد را به اینجانب متذکر شوند تا جهت رفع آن‌ها و ادامه مسیر پژوهش‌های موضوعی در ساحت سیاست و بر منهج فقه عظیم آل محمد (علیهم‌السلام) گام‌های مؤثری برداشته شود.

سید محمد صادق کاظمی

قم المقدسه

خرداد ۱۴۰۲ / ذو القعدة الحرام ۱۴۴۴



(۱)

## نقش مردم و مبانی مشروعیت حکومت اسلامی

در اندیشه فقهای معاصر

توجه به دو نکته سبب شد تا دیدگاه‌های موجود در مسئله نقش مردم و مبانی مشروعیت حکومت اسلامی در میان فقهای معاصر شیعه در فصلی مستقل گردآوری شود: نخست آنکه در روش فقهی، پژوهشگر می‌بایست ابتدا به دیدگاه‌های موجود توجه کرده و پس از بررسی و نقد آنان به بیان نظرات خود بپردازد. از آن رو که این پژوهش نیز در تلاش برای رسیدن به فهم فقهی از انتخابات است، نیاز دارد تا به دیدگاه‌های موجود در این حوزه توجه کند. دوم: اهمیت ویژه جایگاه رأی و نظر مردم در نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت. این موضوع، یکی از مبانی انتخابات است؛ با این حال، وجود دیدگاه‌های متعدد در این حوزه از یک سو و مبتنی بودن برخی از مبانی دیگر بر این موضوع سبب می‌شود تا حجم مطالب در فهم این جایگاه گسترده

باشد؛ بنابراین لازم به نظر آمد که این بحث در فصلی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

جایگاه رأی و نظر مردم در اندیشه فقهای امامیه را باید در تناسب با مفهوم «ولایت فقها» دید؛ زیرا آغاز این اندیشه از تأیید، رد، تقیید و یا اطلاق در این مسئله است. ضمن آنکه هرگونه نظر در این زمینه، گستره و حدود مشارکت سیاسی و اثربخشی رأی مردم را از منظر اندیشمند مشخص می‌کند. در این زمینه چهار دسته نظر در دوران معاصر وجود دارد: ۱- نظریه نصب؛ ۲- نظریه نصب و نخب که از آن به مشروعیت دوطایه نیز تعبیر می‌شود؛ ۳- نظریه تصدی؛ ۴- نظریات واکنشی. در ادامه به بررسی نظرات موجود در هر دسته پرداخته می‌شود. برای پرداختن به هر کدام از نظریات لازم است فقیهانی به عنوان نماینده نظریه انتخاب شوند. برای نظریه نصب، دیدگاه‌های آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی، امام خمینی و آیت‌الله محمد مؤمن قمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. علت نیز آن است که در میان علمای معاصر، آیت‌الله بروجردی در مبانی مشروعیت حکومت اسلامی نظراتی مبتنی بر عقل و نقل به صورت منظم و منسجم بیان کرده است. امام خمینی نیز توسعه و تفصیل نظریه ولایت فقیه و حکومت اسلامی را در دوران معاصر انجام داد. آیت‌الله مؤمن نیز شهرت به شرح و بسط نظرات امام خمینی دارد. در نظریه نصب و نخب، آیت‌الله حسین علی منتظری، به صورت مبسوط قلم زده است؛ بنابراین باید نوشته‌ها و آثار ایشان مورد توجه قرار گیرد. همچنین آیت‌الله العظمی سیستانی نیز در تلاش برای رد ولایت عامه فقها، اقدام به تبیین جایگزین برای ولایت فقها کرده است و در آن به لزوم رجوع به آراء مردمی رسیده است. همچنین شهید صدر با مطرح کردن خلافت الهی انسان و گره زدن آن با مقوله مشارکت سیاسی، سخنان دقیقی در این باب بیان کرده است؛ بنابراین دیدگاه‌های این سه فقیه برجسته مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظریه تصدی نیز نظریه آیت الله سید ابوالقاسم خوئی است. همچنین به جهت آنکه در دوران معاصر اندیشه‌هایی وارد جامعه شیعی شد، برخی از فقها در واکنش به این اندیشه‌ها اقدام به تبیین نظر سیاسی خود کرده‌اند. مهم‌ترین فقها در این زمینه، میرزای نائینی و شیخ فضل الله نوری می‌باشند که اندیشه ایشان نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱. نظریه نصب

انحصار مشروعیت ولایت فقها در عصر غیبت در اعطای ولایت از جانب شارع، خلاصه‌ای از محتوای نظریه نصب است. در این نظریه، فقها به صورت نصب عام از جانب امام معصوم برای تصدی ولایت منصوب شده‌اند. این نصب با بیان شرایط و اوصاف فقیه صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر در ادله نقلی با ذکر اوصاف ولی فقیه، تأکید شده است که واجدین این اوصاف ولایت دارند. در این نظر، رأی مردم مشروعیت‌بخش نیست؛ اما اولاً تحقق‌بخش است و ثانیاً به جهت مذمت زورگویی و جبار بودن، حاکم موظف است که نظرات مردم را مسموع دانسته و در مقام تصمیم‌گیری نیز به جلب رضایت مردمی توجه کند. در این موارد در فصل بعدی بیشتر سخن گفته خواهد شد. اندیشمندان این نظریه، از سه منظر عقلی، نقلی و عقلی نقلی به اثبات کلام خود می‌پردازند. ایشان از یک سو با استناد به این ادله در تلاش برای اثبات ولایت فقها در عصر غیبت می‌باشند و از سوی دیگر نیز در تلاش برای نفی منابع دیگر مشروعیت‌بخش از جمله رأی مردم هستند؛ بنابراین در یک دسته‌بندی می‌توان ادله و کلام اندیشمندان این نظر را به دو دسته تقسیم کرد: نخست: ادله‌ای که به اثبات ولایت فقها پرداخته است؛ این ادله در مقابل نظریه «نخب» مطرح می‌شود. دوم: ادله‌ای که امکان دخالت انتخاب توسط مردم در اعطای مشروعیت و ولایت را سلب می‌کند.